

بدببیارى هاى فوتبال اردبیل پایانى ندارد

حکایت بدببیارى نماینده فوتبال اردبیل در لیگ دسته دوم باشگاههاى ایران هم دارد دنباله دار مى شود. ناکامى پشت ناکامى، هنوز از یک مصیبتى رهاى نیافته بلایى دیگر گریبانش را مى گیرد و به سوى سقوط و هلاکت رهنمونش مى کند.

از زمان برکنارى حجت الاسلام میر عباس زاده از مسؤولیت سازمان فرهنگى ورزشى شهردارى، تیم در مجموع روزهاى خوبى را تجربه نکرده است. صعود به لیگ دسته یک نیز حاصل زحمات، دور اندیشى، تلاش و موقعیت شناسى آن مرد بزرگوار بود.

این تیم از آن زمان تاکنون اسیر نبود برنامه، روزمرگى و تصمیمات احساسى بوده و نتیجه این حرکات و رفتارها به هلاکت و سرافکنندگى فوتبال اردبیل و تیم ریشه دارى چون شهردارى منجر شده است.

به راستى که این تیم روزگار بدى را پشت سر مى گذارد. اوج بدبختى آن از مرداد ماه امسال آغاز شد. موقعى که شورائیان پاهایشان را در یک کفش کردند و گفتند تیم باید به بخش خصوصى واگذار گردد. امید بود که در این برهه، شهردار اردبیل به دفاع از تیم برخیزد و حداقل نظر دوستانش را در شورا نسبت به حفظ تیم در مجموعه شهردارى جلب نماید، ولى چه باید کرد شهردار نیز با موضعگیرى و تصمیماتش و به خصوص بعد از جریانات آبی پوشان نشان داد که در اصل او نیز با تصمیم شورائیان همراهى مى کند و از همان وقت بدبختى ها و بدببیارى این تیم شروع شد و تا به امروز که در ورزشگاه على دائى و در سرمای طاقت فرسای اردبیل بازی را یک بر صفر به حریف تهرانى باخت، ادامه یافت.

راستى دست هاى پشت پرده اى که همچنان برای این تیم تصمیم مى گیرند چه كسانى هستند؟ چرا امکان واگذارى تیم به بخش خصوصى على رغم تاکید شهردار و شورای شهر به طور کامل و قانونى و رسمى فراهم نشد؟ چرا هر كسى که برای تحویل گرفتن تیم قدم پیش گذاشت بعد از اندک مدتى فرار را بر قرار ترجیح داد؟ الآن تیم در اختیار چه كسى و کدام ارگان و نهاد است و هزینه هایش چگونه و از کدام كانال قانونى تامین مى شود؟ كلاف سردرگم در ارتباط با این تیم بیچاره و بدبخت و درمانده كى باز خواهد شد؟ جریان رفت و برگشت ها در تیم چیست و چه كس و یا چه كسانى در این مورد تصمیم گیرنده بوده اند؟ نقش شهردارى و عوامل آن در ادیره این بچه سرراهى چه مى باشد؟ اگر

بگویند که شهرداری بر حکم وظیفه که مجبور است به درمانده ها سرپناه بدهد و جنازه های بی صاحب را تا مرحله دفن سرپرستی نماید، به حمایت از تیم ادامه می دهد پس چرا این کار را از همان اول فصل انجام ندادند و فقط در هفته های اخیر به فکر افتادند؟ آیا در این کار و معرفی برخی ها به عنوان منجی فوتبال اردبیل و قهرمان بی رقیب مدیریت در فوتبال برنامه ریزی شده بود؟ راستی اداره کل ورزش در این میان چه کاره بوده و هست؟ آیا نمی توانست کمکی به خروج از بن بست بکند؟

هنوز امیدها برای ماندن این تیم در دسته دوم از بین نرفته است. کم رنگ شده است ولی کاملاً نمی توان قطع امید کرد. می توان کاری کرد به شرط آنکه همه اقدامات با صداقت و به دور از هرگونه انحصار طلبی و خودنمایی باشد.

آنهایی که در مقاطع مختلف در شروع فصل شعار دادند و وعده کردند ، خود بهتر از همه می دانستند که وعده هایشان نمی تواند عملی بشود. چرا که برای تیم کار اصولی انجام نشده بود. چرا که دهها دایه مهربان تر از مادر در کنار خود احساس می کرد . چرا که دست های پشت پرده به کار خود مشغول بودند و مسلماً بدون کار و برنامه ریزی اصولی نمی توان موفقیت را شاهد شد.

هر که دانه نفشانند به زمستان در خاک ناامیدی بود از دخل به تابستانش

نمی دانم شاید روزی فرا برسد که ناگفتنی های این تیم توسط آنهایی که در جریان کامل آن بوده اند به اطلاع افکار عمومی رسانده شود و نقش افراد و دست های پشت پرده با ذکر نام آنها اعلام گردد تا بدینوسیله قدرتمندان توانا، کارآمد و تاثیر گذار فوتبال اردبیل به جامعه شناسانده شوند .

**مردم باید بعد از روشن شدن واقعیت ها قدر آن بزرگواران را بدانند
و برای سلامتی شان هورا بکشند.**

**خوش بود گر محک تجربه آید به میان
تا سیه روی شود هر که در آن غش باشد**